

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یوسف زرکار - مرداد ۸۸

گزارشگران:

هم اینک مطرح می شود که "عبور از موسوی اجتناب نا پذیر است"، با توجه به رویداد های اخیر، نظر شما در این مورد چیست؟

یوسف زرکار:

اگر "عبور از موسوی" به مفهوم فراتر رفتن از سطح خواسته ها و منشور های کذایی ایشان در نظر گرفته شود که با تاکید بر "حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی" و در چهار چوب "قانون اساسی" آن محصور است، نه تنها "اجتناب ناپذیر" بلکه به بیان دقیق تر ضروری است. اگر به مضمون و اهداف جنبش آزادی طلبی و دموکراسی خواهی که از شب ۲۲ خرداد و در همان زمان اعلام کذایی نتیجه انتخابات یا در واقع کودتای سیاسی و در شرایط بهت زدگی عمومی از فلکه اول تهران پارس شروع شد توجه کنیم، اگر به روند تداوم آن و شعار های طرح شده و به نیروهای شرکت کننده در آن با ترکیب وسیع سنی و جنسی و به ویژه شرکت فعال زنان و جوانان و به گستردگی و دامنه آن دقت کنیم که چگونه از شکاف ایجاد شده در حاکمیت و در دفاع از رأی خود سود جسته و به رادیکال ترین شکل و شعار در روز های اولیه سر برآورد، خواهیم دید که چنان "عبوری" لازم و ضروری است. زیرا خواسته ها و محتوای جنبش اخیر نمی تواند در شکل و محتوای حفظ نظام جمهوری اسلامی بگنجد و در آن تحقق یابد، زیرا در غیر این صورت جنبش نمی تواند به اهداف و خواسته هایش دست یابد.

بدیهی است که دستیابی به اهداف جنبش، با "عبوری" به مانند طرح مضحک "عبور" از خاتمی در گذشته و یا اکنون موسوی (با تغییرات جزئی) کار ساز نیست بلکه به معنای دگرگونی بنیادی یا همان سرنگونی جمهوری اسلامی- امری که بسیاری از سازشکاران از آن ترس دارند و از این خواست فرار میکنند- بستگی تام دارد. اینکه این تحقق در عمل، چگونه و با چه کیفیتی باشد، امری است که به کشاکش و مبارزات نیروهای در گیر یعنی توده های مردم، سطح و شکل مبارزات، کیفیت شعار های آنان و چگونگی توان و شیوه برخورد رژیم و سیاست های جناح هایش و نتیجه حاصله از این کشمکش ها بستگی دارد. با توجه به روند تا کنونی و سطح تلاش ها و مطالبات "جناح سبز" رژیم و مردمی که آگاهانه و جان برکف به میدان آمده اند، چنین "عبوری" به طور نظری طرح شده است و تا "عبور" عملی و واقعی راه درازی با فراز و نشیب در پیش است.

گزارشگران:

با در نظر گرفتن اینکه موسوی همواره تأکید بر حفظ نظام داشته و دارد، آیا ایشان دارای این ظرفیت هست که بتواند با رهبری جنبش سبز، ایران را به آزادی برساند؟

یوسف زرکار :

قبل از پاسخ به این سؤال باید روشن شود که منظور از "جنبش سبز" چیست؟ و "آزادی ایران" بچه معناست؟ جنبش کنونی (خیزش خرداد ۸۸) که جنبشی برای آزادی و دموکراسی است، به هیچ وجه نه فقط و انحصاراً سبز نیست بلکه رنگارنگ و یا بقول معروف رنگین کمان است. یعنی وقتی جنبشی هدف آزادی و دموکراسی را در پیش رو دارد نمی تواند مضمونی به غیر از سکولاریسم، پلورالیسم و دموکراتیسم داشته باشد و این نافی قالب کردن دروغین جنبش مردم در پوشش سبز یا زرد یا هر رنگ دیگری است. مهم اینست که در یابیم که علاوه بر مضمون جنبش، جهت حرکت آن کدام است؟

جنبشی که انباشتگی و فشردگی سرکوب و دیکتاتوری سی ساله، پتانسیل و انرژی محرکه آن را تشکیل می دهد و واکنشی علیه رژیم است، طبعاً هدف دگرگونی و "عبور" از نظام را در پیش رو دارد. در این چهارچوب موسوی و جناحش که حداکثر خواست آنان در صورت عملی شدن، دستیابی به جنبه های "مغفول" قانون اساسی جمهوری اسلامی و برخی تغییرات جزئی است، نمی تواند و ظرفیت آنرا ندارد که "ایران را به آزادی" برساند. زیرا برای دستیابی به آزادی و دموکراسی در ایران نه تنها باید اولین مانع یعنی نظام جمهوری اسلامی کنار زده شود، بلکه برای رسیدن به این هدف به نیروی عمل و مکانیسمی نیاز است که حداقل های آن، من جمله شرکت وسیعتر اقشار و طبقات و به ویژه کارگران با مهر طبقاتی، ایجاد نهاد ها و تشکل های مستقل محلی و سراسری و پیدایش رهبری است که بتواند افق و برنامه روشنی را پیش روی جنبش بگذارد و فعلاً چنین شریطی فراهم نیست و رسیدن به چنین مطلوبی بستگی تام به روند پیشرفت جنبش دارد.

گزارشگران:

چه راهکار هایی را برای تشکیل شورای حمایت از جنبش خونین مردم و یا هر نهاد هدایت گر دیگر پیشنهاد میکنید؟ فکر میکنید در عین حال واکنش نیروهای مختلف شرکت کننده در این خیزش ها، نسبت به این راهکار ها چیست؟

یوسف زرکار :

با توجه به اینکه بین نهاد های هدایت گر و حمایت گر تفاوت اساسی وجود دارد، تفکیک این دو کاربرد و اطلاق اولی را برای جنبش داخل و دومی را برای حرکات حمایتی در خارج کشور مناسب تر میدانم. در رابطه با جنبش در داخل هرگونه نسخه پیچی مشخص کاریست غیر اصولی و نادرست، ولی در خطوط کلی راسنایی می تواند طرح شود: در بطن تداوم و گسترش کمی و کیفی جنبش، در پرتو شرکت فعال کارگران، زنان، دانشجویان و توده های مردم با خواسته های مشخص و ایجاد نهاد ها و تشکل های مستقل و خودیژه آنان و نهاد های مدنی که مهر طبقاتی و یا عمومی خود را بر جنبش بکوبد، توانایی اعمال هدایت گری بخشی و محلی را خواهد داشت و در صورت به هم پیوستن و سراسری شدن امکان ایجاد یک نهاد هدایت گر سراسری را فراهم می سازد. در رابطه با خارج کشور باید اساساً به این نکته توجه داشت که تحرک و جوشش جنبش در داخل است که زمینه تحرک و حمایت های گسترده

مردمی در خارج را موجب شده و فراز و نشیب آن تابعی از متغیر داخلی است. با توجه به تشکل یافتگی نسبی گروه ها و جریانات و فضای دمکراتیک موجود در خارج، ایجاد شورای حمایت گر برپایه مبنایی چون دفاع و حمایت از مبارزات مردم، دفاع از خواست ها و مطالبات آنان، دفاع از خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت همه گرایشات و رنگ ها و پرچم ها، می تواند بستری باشد که توان و ظرفیت برای ادامه کاری و رشد و تداوم جنبش حمایتی را فراهم کرده، واکنش مثبت در داخل ایجاد کند و موجب خنثی کردن سازشکاری، تفکر و بر خورد های "سبز الهی" - که کاریکاتوری از تفکر و برخورد "حزب الهی" است - گردد.

گزارشگران:

با توجه به سرکوب های اخیر و حضور احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور، چه راهکار هایی را برای مردم و به ویژه خارج از کشور ی ها ارائه می دهید که مانع حضور وی بر مسند ریاست جمهوری باشد؟ لطفا این راهکار ها را در مورد مردم ایران و خیل گسترده تبعیدیان و مهاجران ایرانی بیان کنید.

یوسف زرکار :

اینکه احمدی نژاد در مسند ریاست جمهوری بماند یا نماند، اساساً بستگی به کیفیت و سطح مبارزات مردم با رژیم از یک طرف و از طرف دیگر به چگونگی کشمکش های جناح های حکومتی و سیاست هایشان دارد. روند تا کنونی نشانگر آنستکه جناح کودتایی با اتکاء به نیروهای سرکوب مانند سپاه و بسیج و پلیس و چند آخوند دست چندم حکومتی و بخشی از مجلس و صدا و سیما، مراسم صوری تنفیذ و تحلیف را در حمام خون توده ها، گور های دسته جمعی، شکنجه های وحشیانه و تجاوزات جنسی زندانیان زن و مرد، بر گزار کرده و در تلاش است تا سیطره خود را تداوم بخشد. اما تداوم مبارزات مردم، علی رغم هزینه سنگینی که برای آنان دارد، نه تنها شکاف در بالاترین رده های حکومتی را تشدید کرده و سرنوشت این کشاکش ها را رقم خواهد زد، که هم اکنون شاهد پس لرزه های آن هستیم، بلکه در رسیدن به اهداف جنبش اخیر نیز تعیین کننده است.

گزارشگران:

چرا تا کنون اپوزیسیون داخل و خارج کشور نتوانسته اند یک شورای حمایت از خیزش مردمی و جنبش اجتماعی ایران تشکیل دهند تا بتوانند این جنبش را هدایت کنند؟

یوسف زرکار :

برای توضیح چرایی این ناتوانی در ایجاد نهادهای هدایت گر و حمایت گر در رابطه با داخل و خارج باید عوامل و پارامتر های متعدد و نقش و عملکرد آنها در دو شرایط متفاوت داخل و خارج، مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه یک بررسی همه جانبه و مشروح در این جا میسر نیست، لذا به اختصار به برخی از مهمترین آنها اشاره می شود. یکی از اساسی ترین عوامل، سرکوب و دیکتاتوری مستمر و خشن سی ساله رژیم جمهوری اسلامی است که به طور سیستماتیک به نابودی و اضمحلال تشکل های مستقل کارگری، زنان، دانشجویی و مردمی دست زده است. نابودی و ریشه کن ساختن خونین سازمان های سیاسی و تشکل ها و نهاد های مردمی به نحوی مستمر (که فراز های آن در اعدام های گروهی سالهای ۶۰-۶۳ و کشتار دسته جمعی سال ۶۷ را همه بیا داریم)، سیطره گفتمان و عملکرد اصلاح

طلبی کذائی دوره خاتمی با آن نتایج حاصله، عدم وجود فضای دموکراتیک که لازمه رشد تشکل ها و نهاد ها برای به هم پیوستن و سراسری شدن است، برخی تحلیل ها و شیوه های نا کار آمد مبارزاتی و غیره از زمره عواملی اند که این چرایی را در داخل می توانند توضیح گر باشند. و در نتیجه در شرایطی که جنبش خرداد ۸۸ به طور ناگهانی و خود جوش پدیدار شد، همه را غافلگیر کرد و خلاء وجود یک نهاد هدایت گر رادیکال و مردمی به عینه آشکار گشت. و در این راستا، تلاش و نقش جوانان و زنان در استفاده از وسایل مدرن ارتباطی و اطلاع رسانی به هم دیگر و به خارج و تلاش ها و تحرکات آنان برای تداوم جنبش، امید وار کننده است.

و در مورد چرایی این ناتوانی در خازج کشور باید عوامل و موارد دیگری را مورد توجه قرار داد که عبارتند از: شکست و سرکوب سازمان های سیاسی و مهاجرت آنها به خارج از کشور، پی آمد های ناشی از این شرایط و تأثیرات آن ها مانند انفعال و انشعاب ها و غلبه تفکرات انحرافی سکتاریسم و دگماتیسم، عدم شناخت مستقیم و همه جانبه، نداشتن برنامه و چشم انداز و غیره آن عواملی اند که در عدم تشکیل نهادی حمایت گر و فراگیر، مؤثر بودند. شرایط جوشش یک جنبش ناگهانی و وسیع موجب غافل گیری نیروهای رادیکال و انقلابی شد و سیطره مؤقتی نیروهای اصلاح طلب، سازشکار و فرصت طلب، و یا نیروهای مدافع سیاست های خارجی، در هدایت حرکات حمایتی در خارج از کشور را فراهم نمود.

گزارشگران:

به صورت عمومی نظر و طرز برخورد نیروهای شرکت کننده در این خیزش ها نسبت به یکدیگر را چگونه ارزیابی میکنید؟

یوسف زرکار :

اگر صحنه سیاسی جامعه در شرایطی که این خیزش رخ داد را به طور کلی و عام مد نظر قرار دهیم، می بینیم که توده های مردم جنبشی کیفی و سطح بالائی را رقم زدند که از یکطرف نیروهای اصلاح طلب را به دنبال خود کشیدند و از طرف دیگر با سرکوب گسترده، وحشیانه و قهر آمیز نیروهای گوناگون رژیم مواجه گشتند. این نیز روشن است که هرکدام از این نیروهای در گیر، خواست ها و اهداف خود را پیگیری می کنند. توده های مردم که دگرگونی طلب اند، با مشارکت ملیونی در تظاهرات ۲۵ خرداد و با شرکت وسیع و هزاران نفری در اعتراضات و در گیری های خیابانی به ویژه در ۳۰ خرداد و ۱۸ تیر و غیره با شعارها و طرح خواست و اقدامات عملی شان نشان دادند که فراتر رفتن و درنوردیدن نظام را در افق و چشم انداز خود دارند. اصلاح طلبان حکومتی نیز مثل همیشه در تلاش اند تا با سوء استفاده از انرژی و نفرت توده ها نسبت به رژیم، آنان را همچنان در محدوده و چهارچوب نظام محصور دارند. و در این راه از القاء و تبلیغ نظرات و روش های نادرست مبارزاتی و تحریف تجربیات مبارزاتی نیز سود می جویند. هرگونه مقاومت و دفاع از خود در برابر تهاجمات سبعانه نیروهای سرکوبگر را نفی و تخطئه کرده و روش عهد بوقی گاندی و دیگران را موعظه میکنند که نه با واقعیت وجودی رژیم و نه با سطح سرکوب های مدرن و قرن بیست و یکمی آن سازگار است و تنها به انحراف مبارزات مردم مدد میرساند. طرز برخورد و قصد سیاست جناح حاکم و کودتا گر را در همان تز معروف النصر بالرعب می توان خلاصه کرد که با درجات و شیوه های متفاوت علیه نیروهای دگرگونی طلب و اصلاح طلب به کار می گیرد.

گزارشگران:

آیا فکر می کنید ، جناح های مختلف حکومتی در پی آمد راهکار های مختلف نیروهای شرکت کننده در خیزش ها ،عکس العمل های مختلفی ارائه خواهند داد و یا اینکه همانند گذشته سعی خواهند کرد که به یک پارچگی نسبی دست یابند؟ در این میان آیا نیروهای سرکوب گر متصل به جناح های مختلف حکومتی ، به روش های متفاوتی دست خواهند زد؟

یوسف زرکار :

اینکه جناح های حکومتی چه راهکار و روشی را در برخورد با جنبش مردم و یا با خودشان در پیش گیرند، بستگی به تداوم، رشد و سطح مبارزات مردم دارد. اینان در راستای سترژی کلی شان مبنی بر حفظ نظام، تاکتیک های گوناگون و مختلفی را در مواجهه و برخورد باخودشان و یا مردم در پیش گرفته و خواهند گرفت. و تلاش کرده و میکنند که با توجه به تناسب قوا و میدان عمل با مانور هایی- از فریب گرفته تا سرکوب و کشتار عریان، از عقب نشینی ها و سازش های موقتی گرفته تا حذف یکدیگر - به اهداف خود دست یابند. و این کوشش ها برای تأمین منافع، حفظ وضعیت و یا رسیدن به موقعیت برتر تا جایی است که موجودیت نظام را دچار مخاطره نسازد. تنها عاملی که قادر به تعمیق بحران در بالایی ها و تغییر توازن قوا به نفع مردم باشد، تداوم مبارزات آنان خواهد بود. با تشکر از تلاش هایتان در ایجاد شرایط چنین گفتگوها و آشنایی با نظرات.

یوسف زرکار - مرداد ۸۸

با سپاس از شما آقای زرکار

گزارشگران